

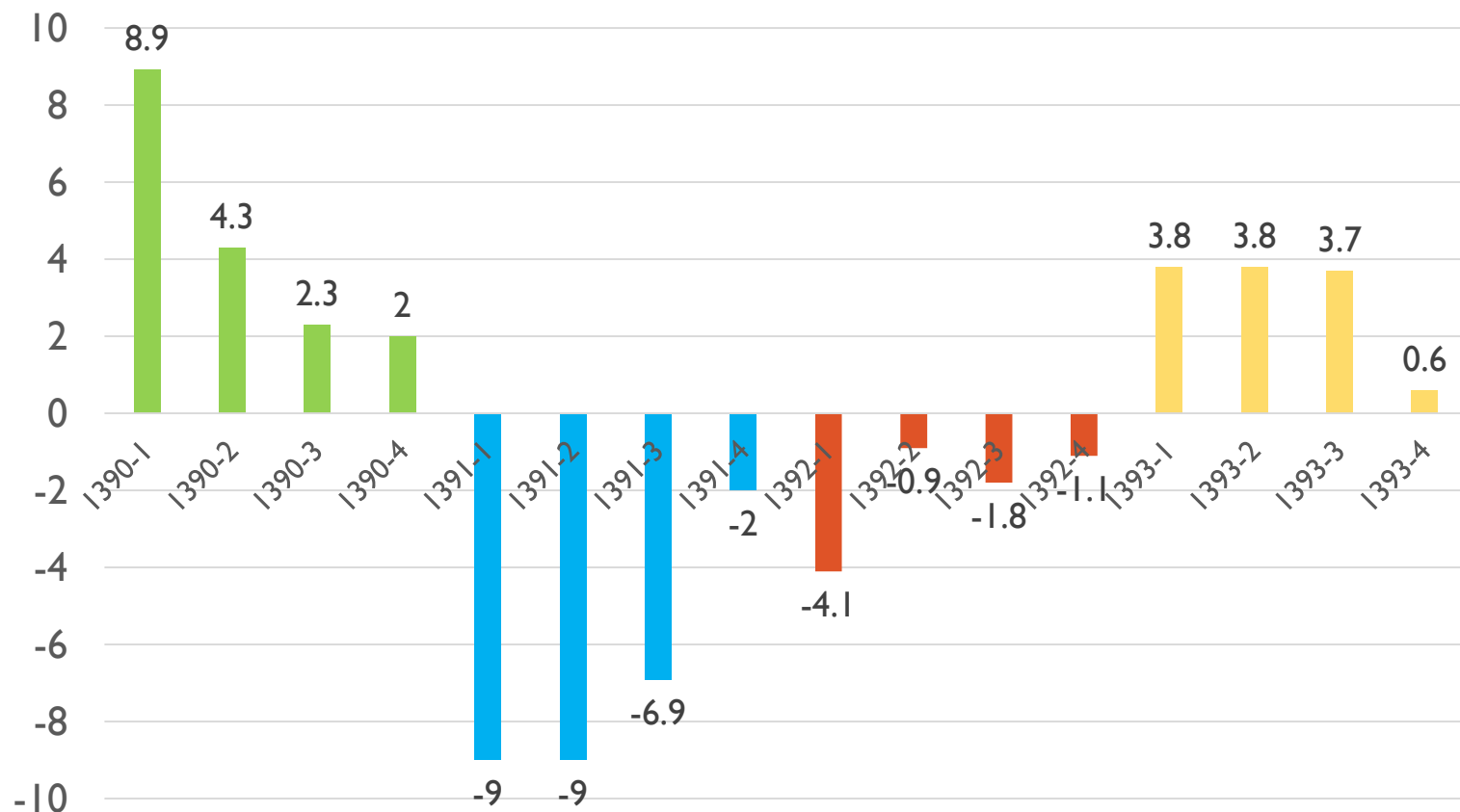
دومین همایش مدیریت ریسک و مهندسی مالی

تحلیل نرخ سود جاری بانک‌ها و
ضرورت اصلاح آن

حسین عبده تبریزی

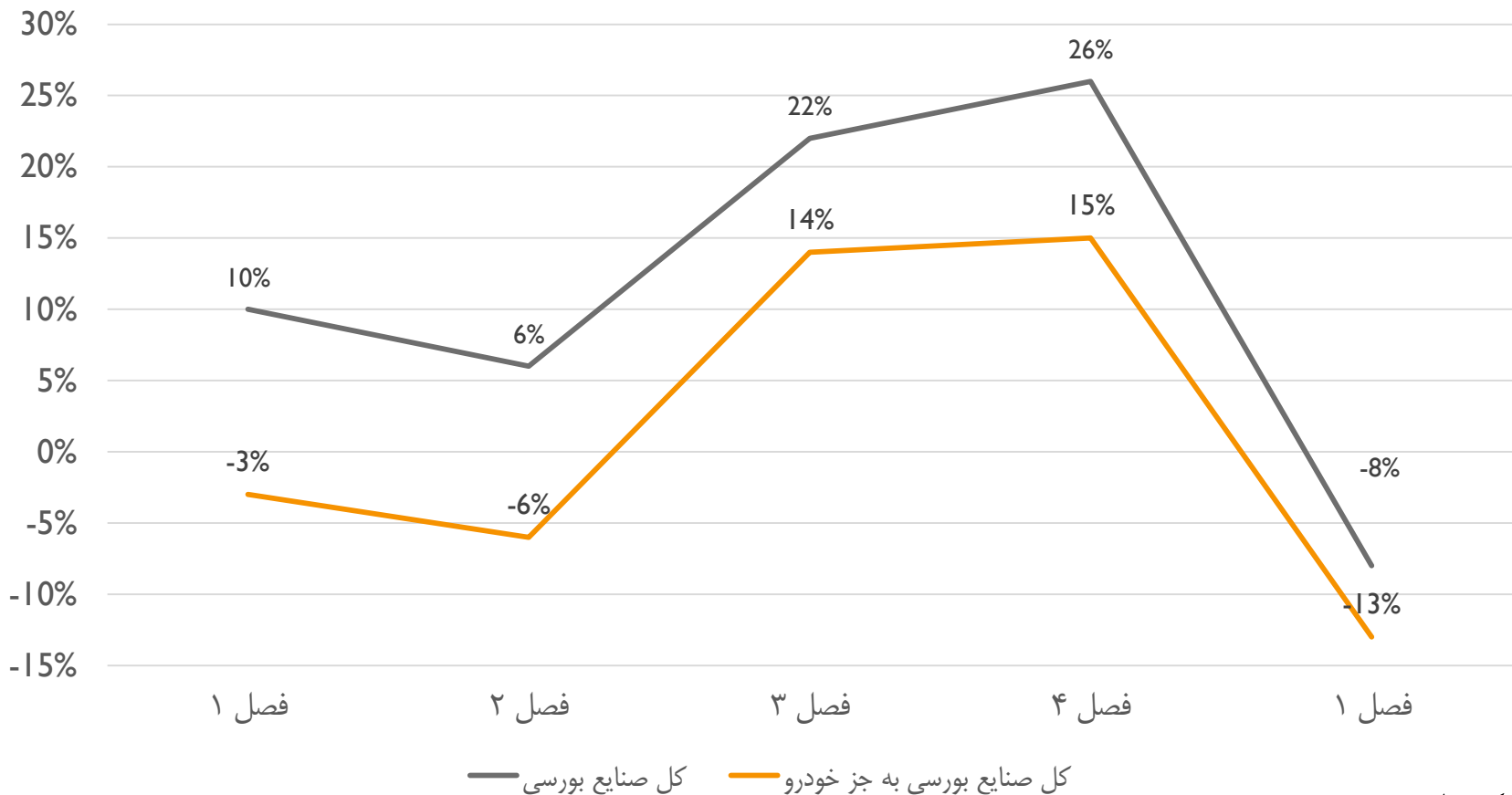
تهران ۱۳۹۴/۱۰/۲۳

نرخ رشد فصلی تولید ناخالص داخلی (به قیمت سال ۱۳۸۳)

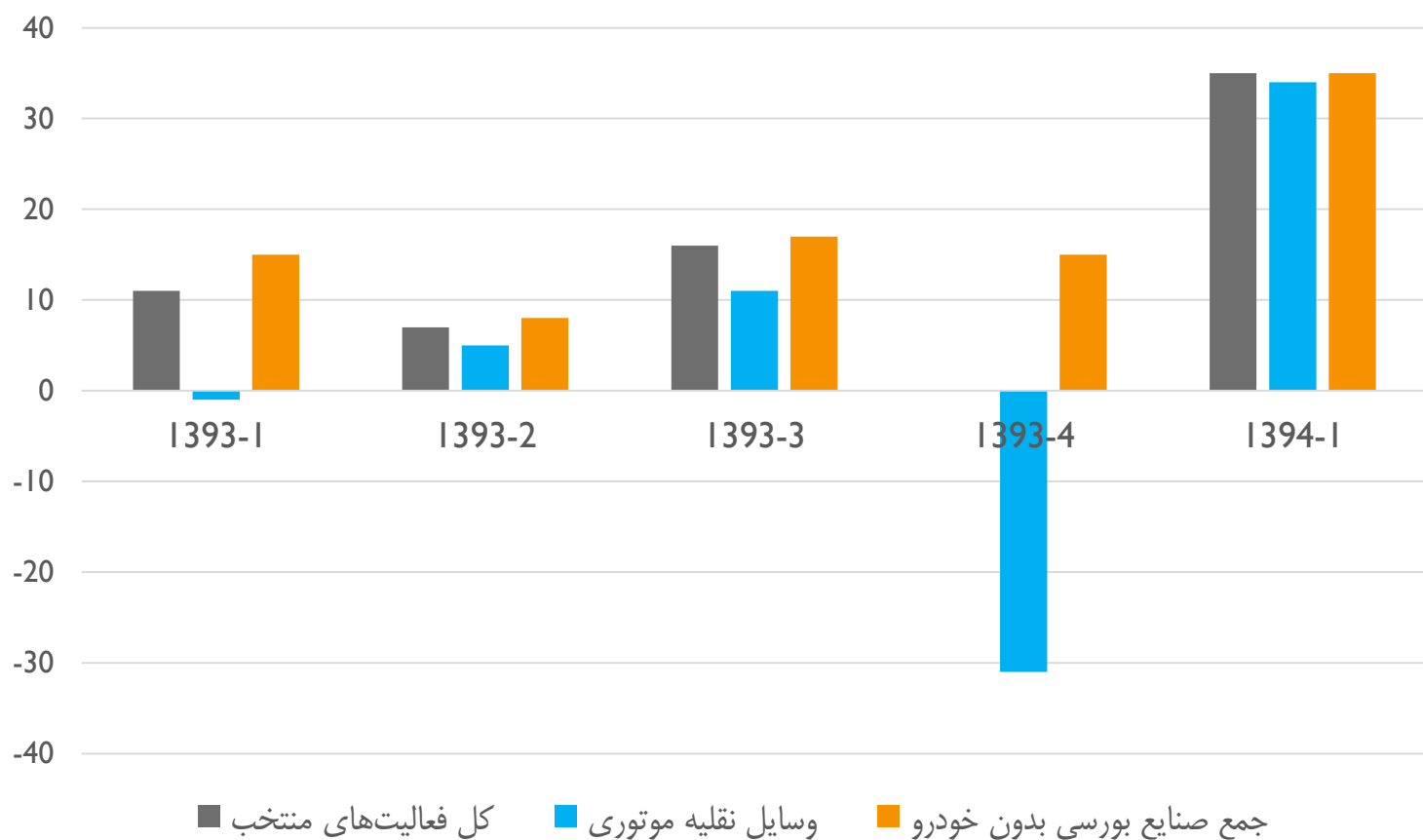


کاهش تولید صنعتی - سال ۹۳ و ۹۴

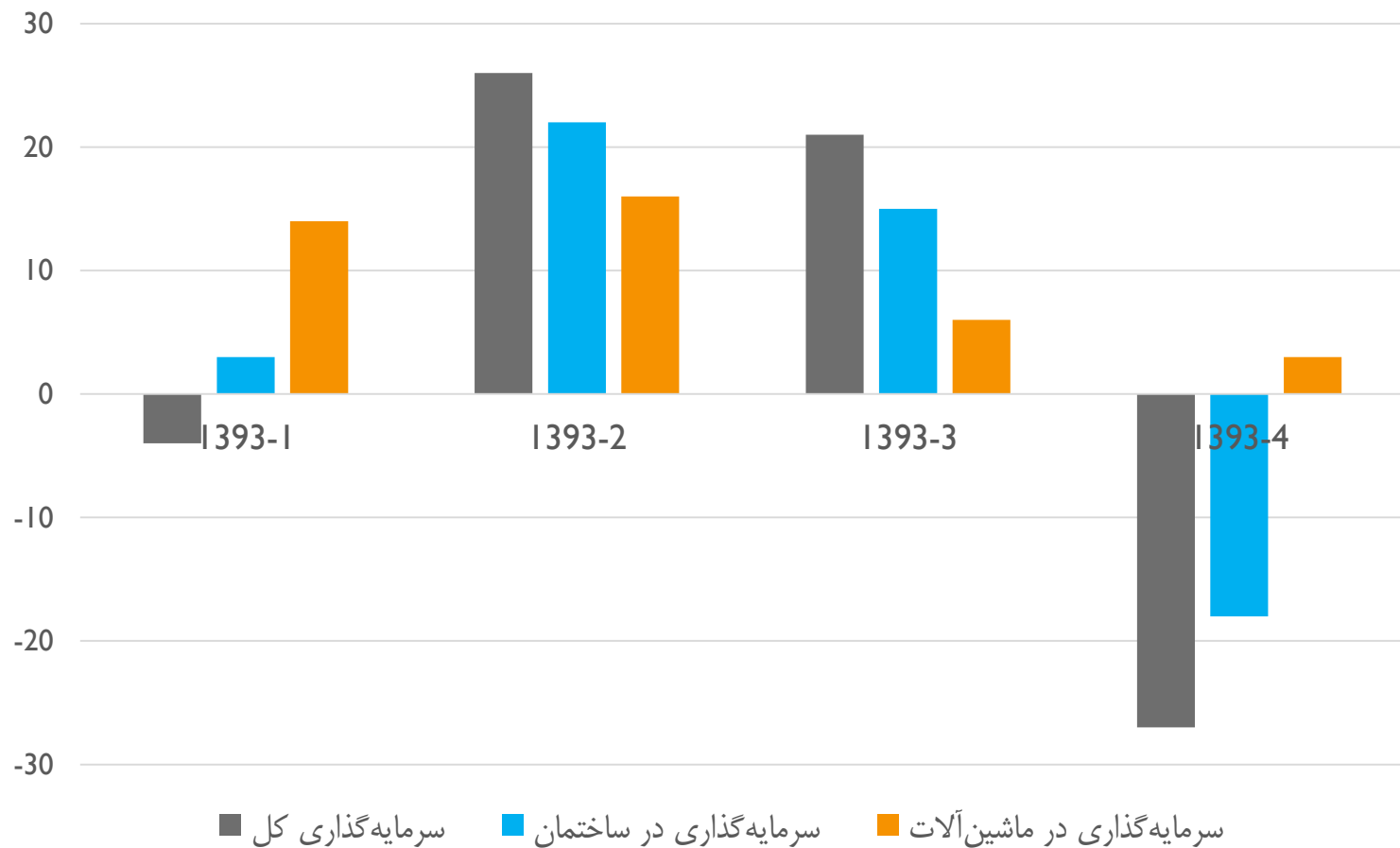
نرخ رشد صنایع بورسی نسبت به مدت مشابه سال قبل



نسبت موجودی انبار به تولید صنایع بورسی (جاری)



نرخ رشد سرمایه‌گذاری نسبت به مدت مشابه سال قبل



اهداف کلان اقتصاد را نمی‌توان به هدف مشخصی محدود کرد. اگر این اهداف را به ثبات قیمت محدود کنیم، آن‌گاه دوگانگی کهن بین «پول» و اقتصاد «واقعی» پیش می‌آید، و بدین ترتیب نظریه‌ی کمی پول تنها نظریه‌ی اقتصاد کلان مربوط تلقی خواهد شد.

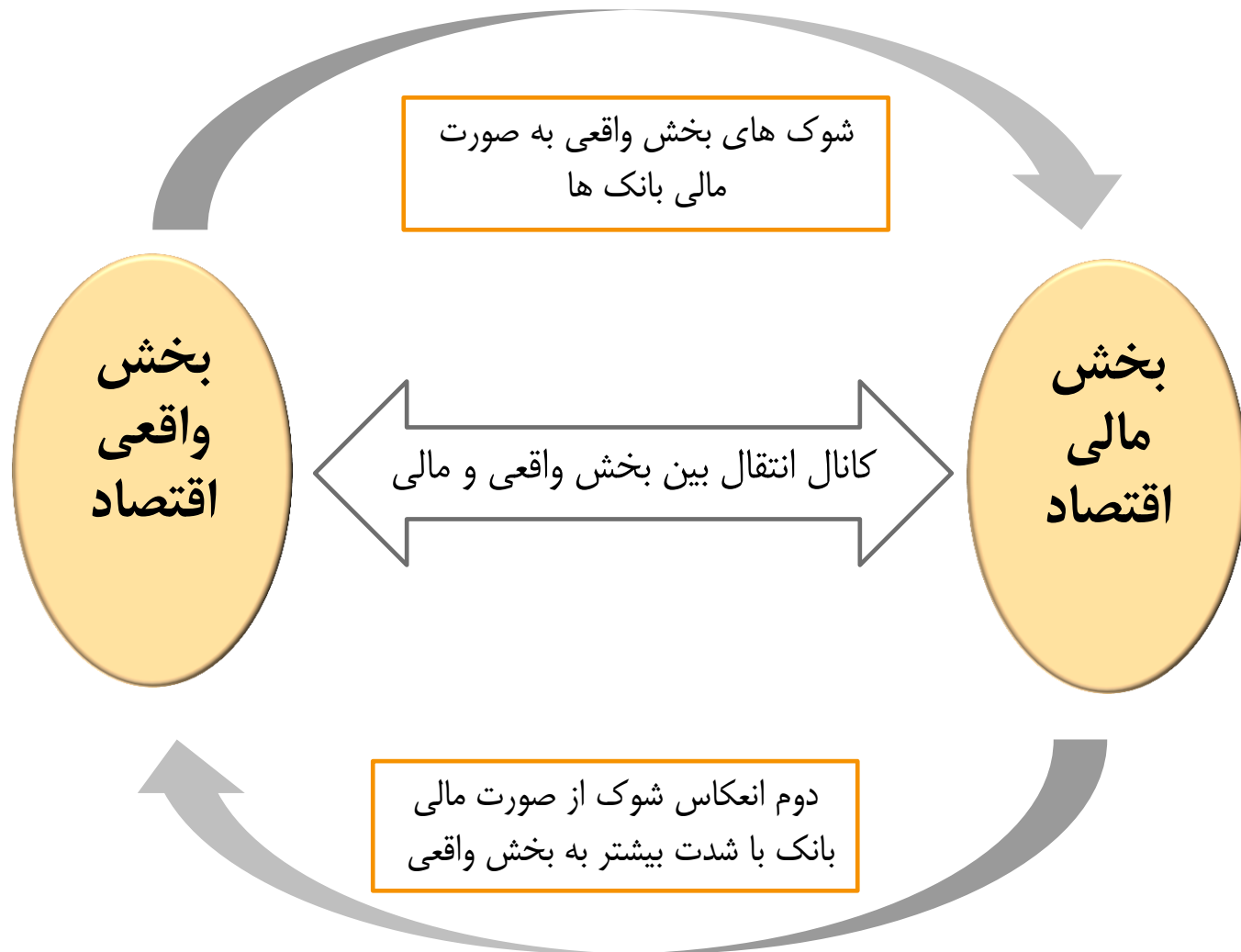
باید بتوانیم ماریجیج کاهششی اقتصاد را کنترل کنیم. قیمت‌های حسابی زمین و ساختمان در دهه‌ی گذشته، نرخ بالای سود بانکی، معوقه‌های سنگین بانکی، و نبود نقدینگی معجون زهرآلودی برای اقتصاد ایران ساخته است. این‌که رکود داریم و بیماری شناخته شده است کافی نیست، باید راه علاج را به‌درستی پیدا کنیم.

برداشت دولت این بود که اگر دوری از بحث و انتقاد در این زمینه (سیاست‌های اقتصادی دولت قبل) به همبستگی اجتماعی می‌انجامد، بهتر است اقتصاد و جامعه این زخم‌ها را تحمل کند و اجازه دهد تا زخم‌ها خودبه‌خود التیام یابند، غافل از این که این زخم‌های عمیق فقط وقتی التیام می‌یافت که در معرض ضد عفونی اشعه‌ی خورشید قرار می‌گرفت.

بعضی‌ها این روزها برای برگشت به آن برداشت از رونق، ظاهراً
شکل‌گیری حساب جدید را پیشنهاد می‌کنند و راه‌حل را در موج تورمی
جدیدی تصور می‌کنند!

اما با فرورفتن اقتصاد به رکود در سال ۱۳۹۱، شرایط بخش‌های بانک و املاک و مستغلات بد و بدتر شد. وقتی قیمت املاک و مستغلات تجاری و مسکونی فروریخت، بانک‌ها به یکباره شاهد آن بودند که ارزش وثایقشان نیز فرو می‌ریزد؛ بانک‌ها از ترس عجز در بازپرداخت سپرده‌ها و با توجه به معوقات عظیم‌شان، از اعطای تسهیلات به یکدیگر و به مشتریان خود امتناع کردند، و بدین ترتیب «تنگنای اعتباری» به وجود آمد. در ایران حالا روشن شده که بحران وام‌دهی به بحران خرج کردن منتهی و رکود از طرف عرضه به طرف تقاضا منتقل شده است.

دینامیک انتقال شوک‌های بین بخش واقعی و مالی



اصلاح نظام بانکی

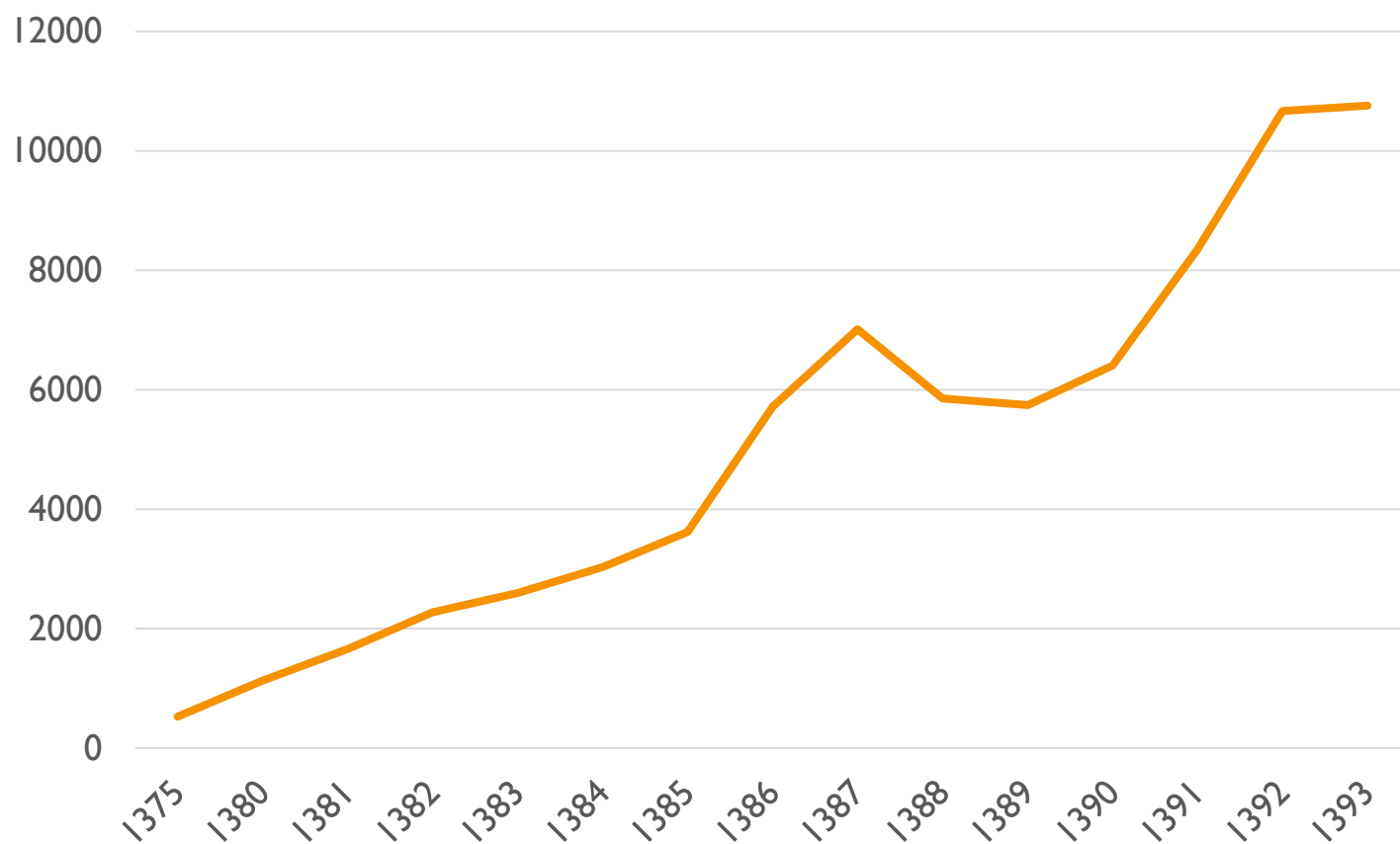
اصلاح نظام بانکی – بدهی‌های دولت – صندوق بازنشستگی

در هیچ دوره رونق بخش ساختمان از نظر طول دوره‌ی زمانی و میزان مبلغ معادل دوره‌ی یادشده نبوده است. هرگز در تاریخ مالی معاصر، همچون دوره‌ی احمدی‌نژاد، بازار ساخت‌وساز دوره‌های کسب سود آسان در چنین وسعت گسترده‌ای را تجربه نکرده بود.

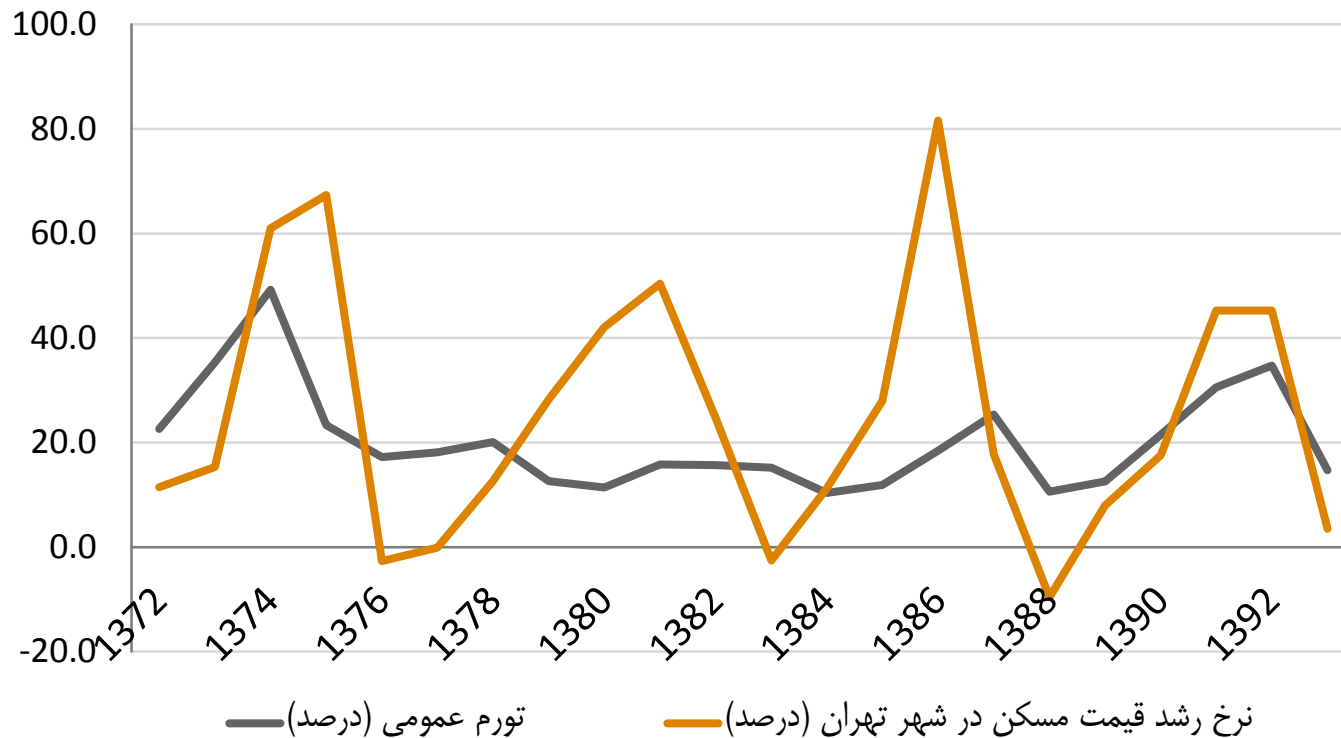
ریشه‌ی بخشی از علاقه به ریسک بانک‌ها آن است که اگر مشکلی پیش بیاید دولت در خدمت نجات آنهاست و تا امروز هم ظاهراً بانک‌ها درست فکر کرده‌اند. این در حالی است که وظیفه‌ی حمایتی دولت‌ها حداکثر در قبال سپرده‌گذاران کوچک است؛ دولت در قبال سپرده‌گذاران بزرگی که در سال‌های اخیر نرخ‌های سود کلان از بانک‌ها گرفته‌اند، وظیفه‌ای ندارد. به علاوه، دولت دیگر منابعی ندارد که بتواند با ولخرجی از بودجه ریخت‌وپاش‌های غیراقتصادی بانک‌ها را جبران کند.

در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۸۰ بانک‌ها و بسازوبفروش‌ها کماکان روی این فرض حرکت کردند که قیمت‌های زمین و ساختمان کماکان بالا خواهد رفت. بحران واحدهای مسکونی و تجاری آنگاه آغاز شد که تقاضای سفته‌بازانه برای آن متوقف شد. وقتی تقاضای سوداگرانه فروکش کرد، همه از رکود در بازار املاک و مستغلات سخن به میان آوردند؛ با فروکش کردن تقاضای سفته‌بازانه و بروز رکود، انبوه‌سازان از بازپرداخت بدهی‌های خود به بانک‌ها عاجز شدند. این ناتوانی خود یکی از دلایل افزایش معوقه‌های بانکی و «تنگنای اعتباری» جاری است.

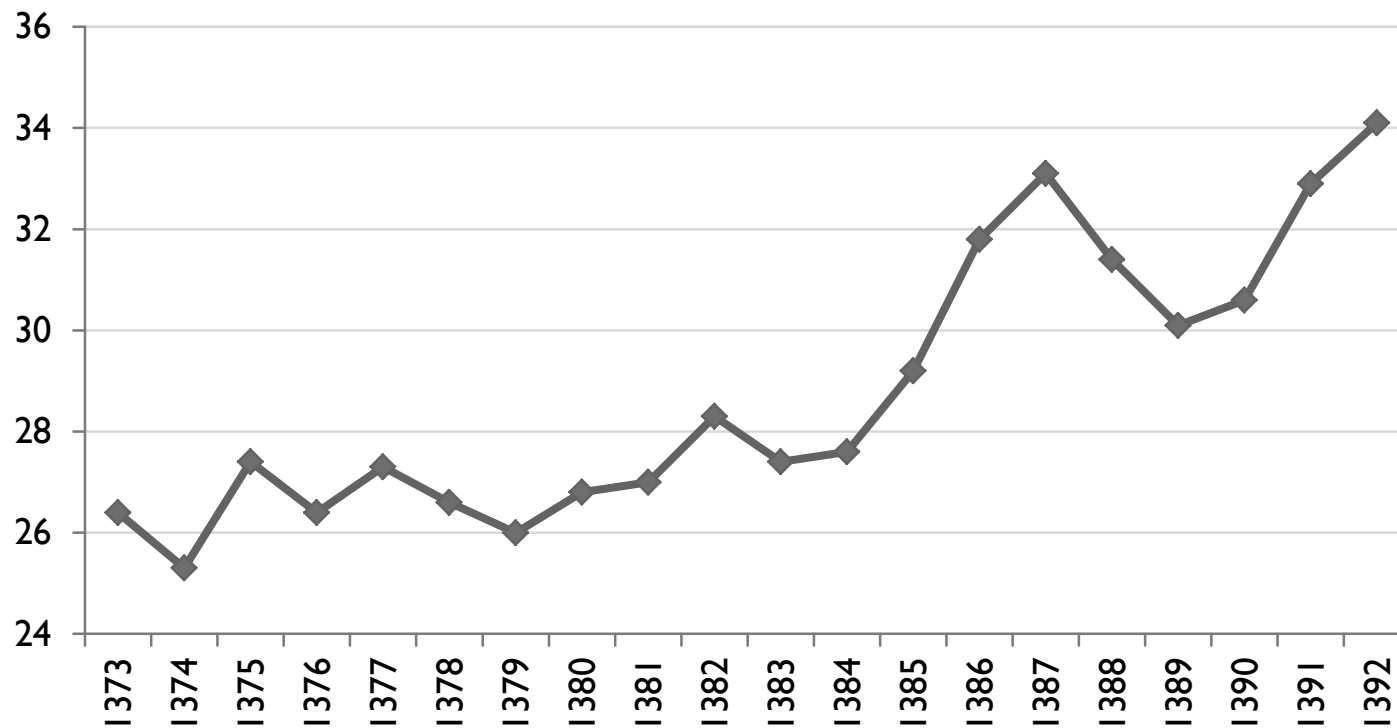
متوسط قیمت یک متر مربع زیر بنای واحد مسکونی در ۳۲ شهر منتخب – هزار ریال



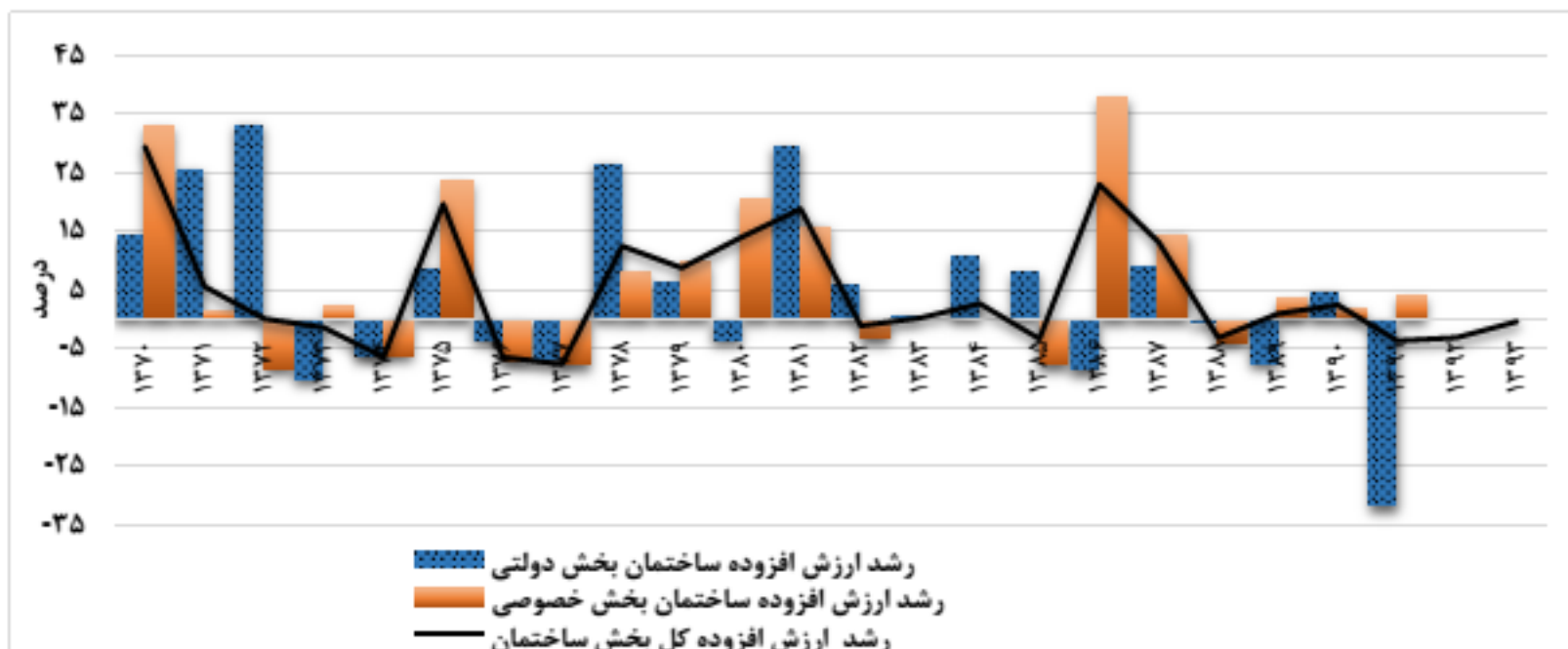
روند نرخ رشد قیمت مسکن و تورم عمومی



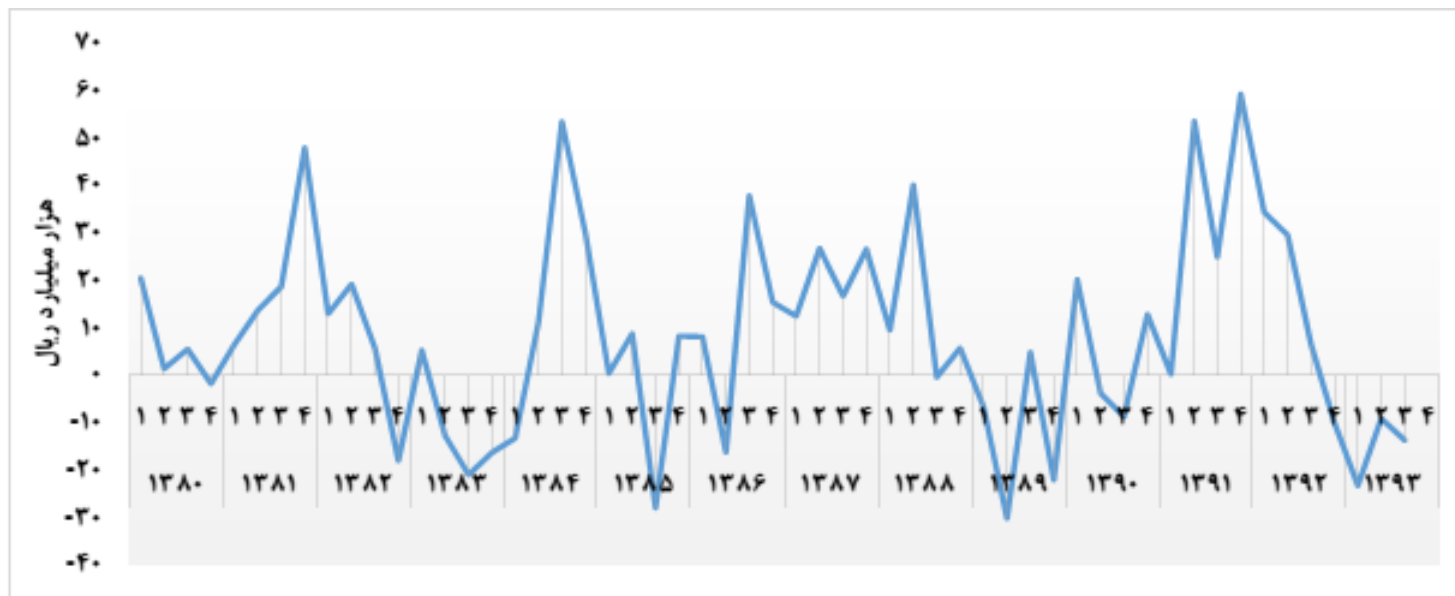
سهم هزینه مسکن از کل هزینه ناخالص خانوار در مناطق شهری (درصد)



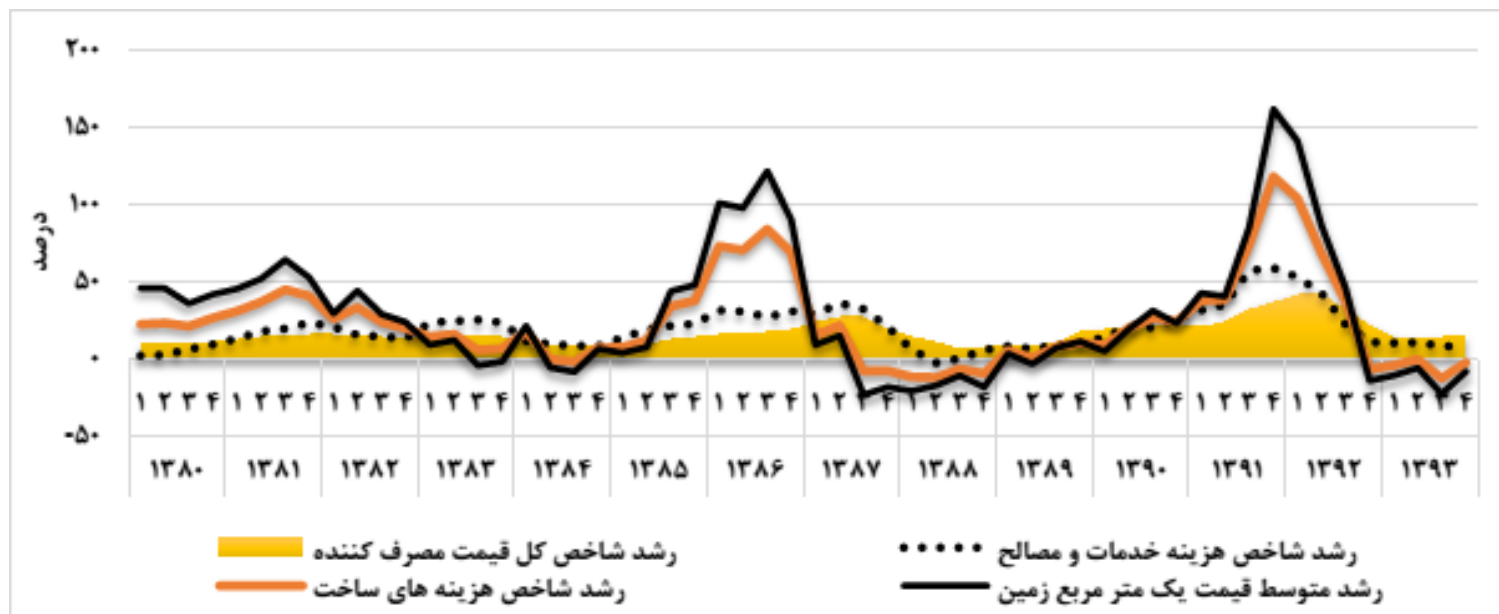
رشد ارزش افزوده بخش ساختمان به قیمت‌های ثابت سال ۸۳



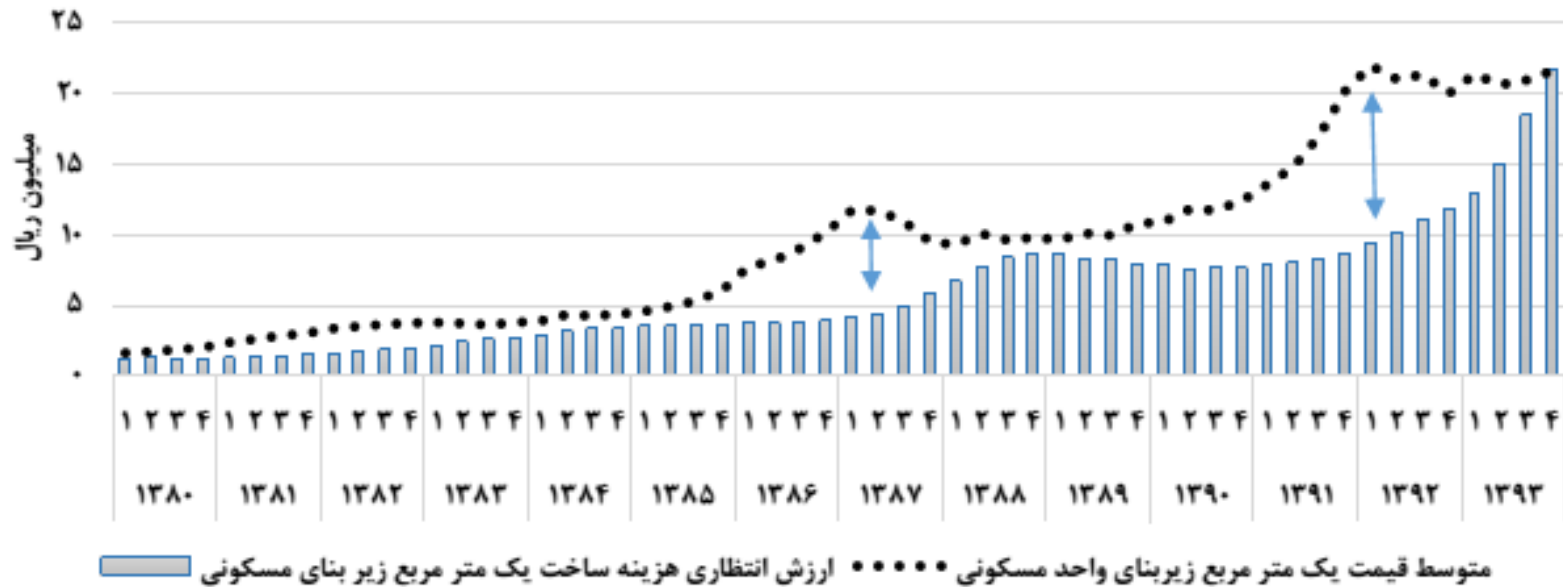
رشد ارزش تولید واحدهای مسکونی تکمیل شده به قیمت‌های ثابت سال ۸۳



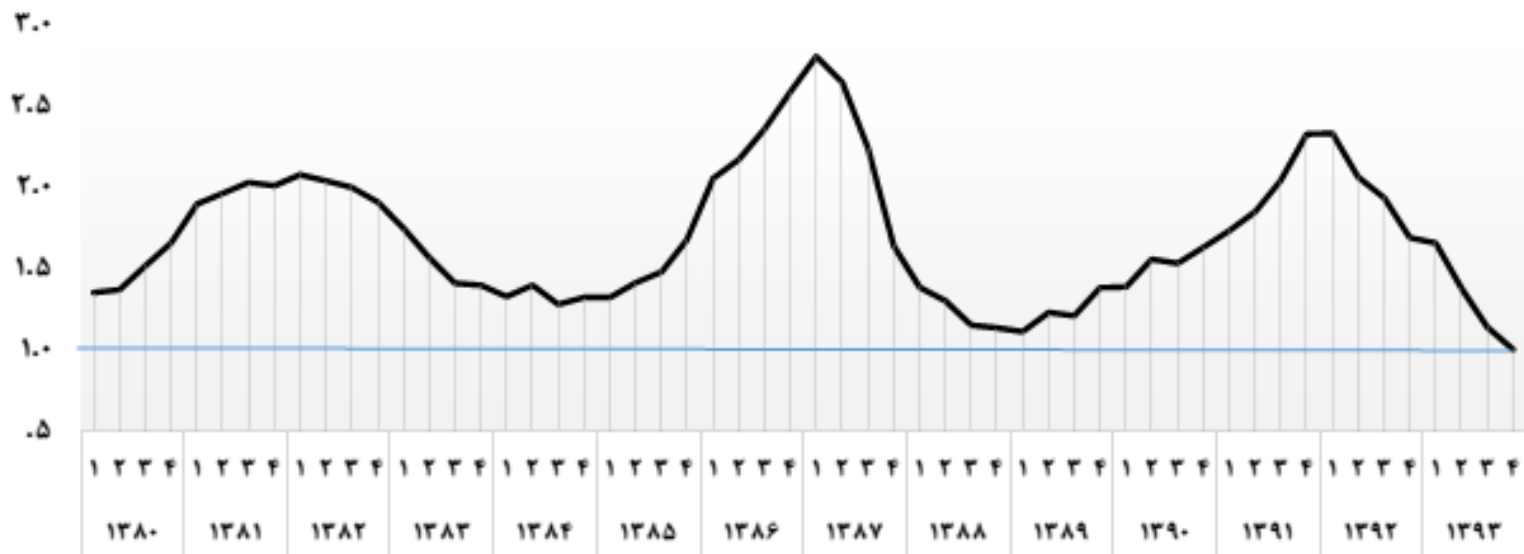
رشد متوسط قیمت یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی و رشد یک متر مربع زمین



متوسط قیمت یک متر مربع زیربنای مسکونی و ارزش انتظاری هزینه ساخت

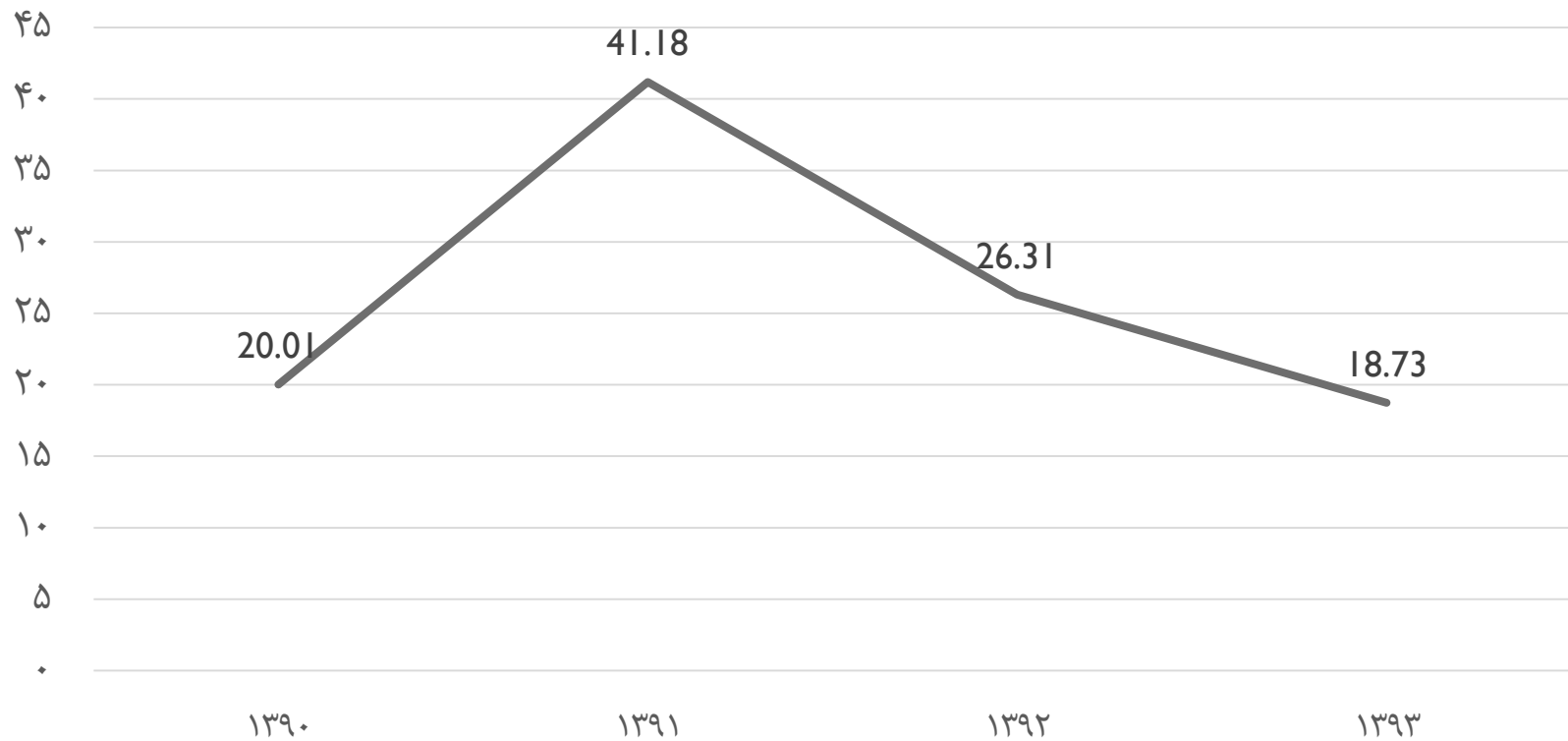


نسبت توپین کیو (نسبت قیمت یک متر مربع زیربنای مسکونی به ارزش انتظاری هزینه ساخت)



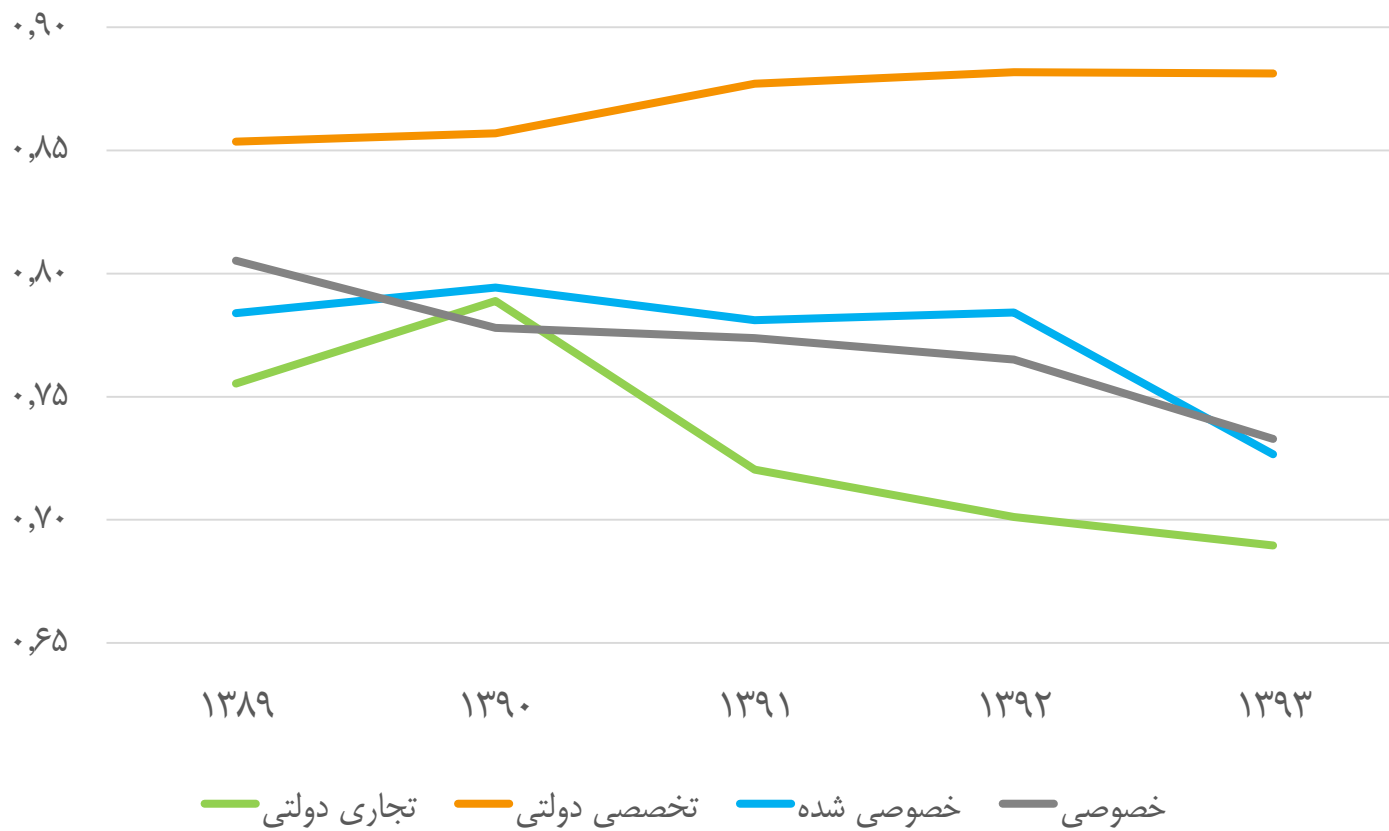
آنچه رخ داد، فروریختن ارزش طرف دارایی‌ها در ترازنامه‌ی بانک‌ها بود. در طرف بدهی بانک‌ها، سپرده‌گذاران نیز نرخ‌های بالا و بالاتر طلب کردند؛ هر چه مردم علاقه‌ی بیشتری به نگاهداری نقدینه داشته باشند، نرخ بالاتری برای جدایی از آن طلب می‌کنند.

نرخ رشد سپرده های کل شبکه ی بانکی

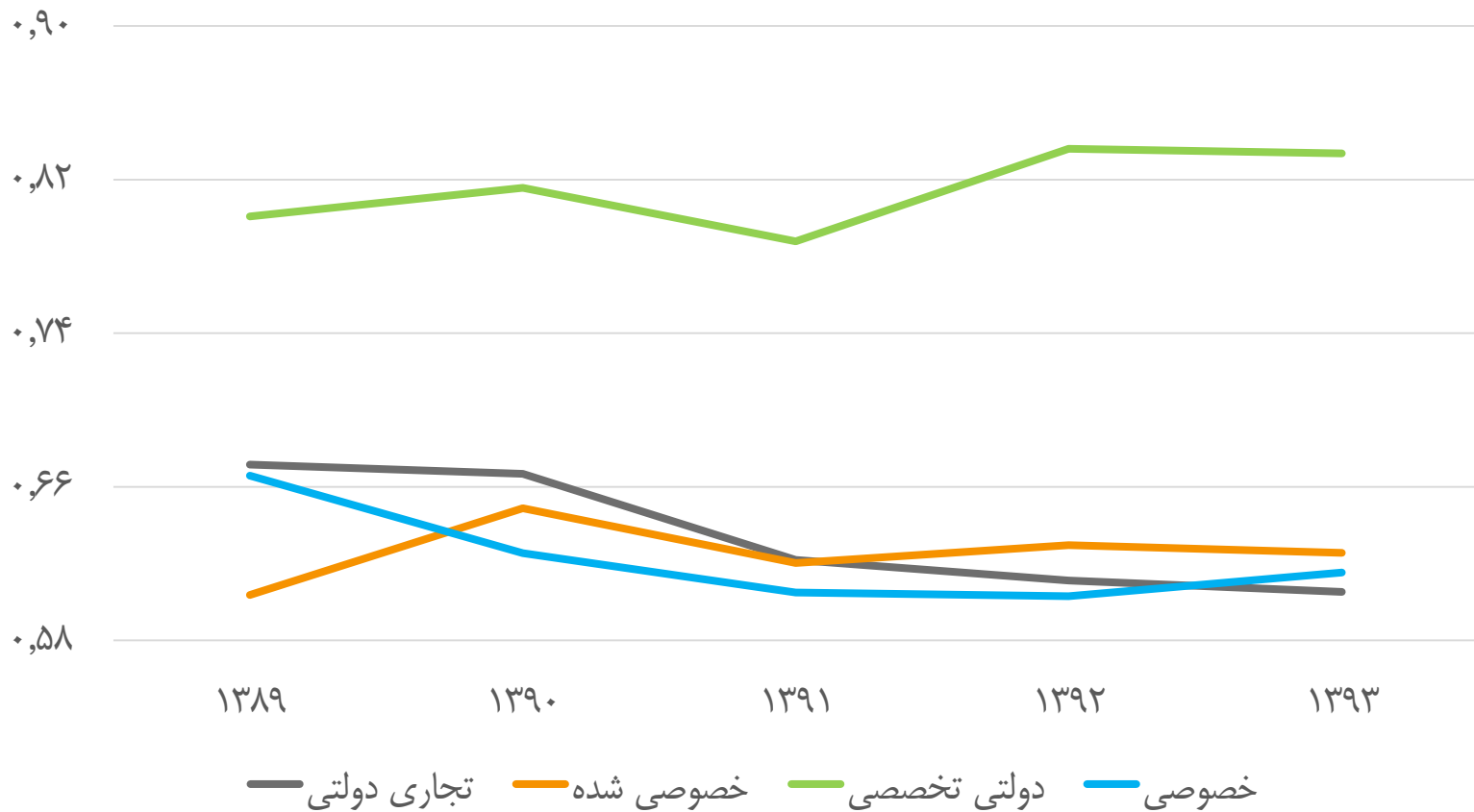


— نرخ رشد سپرده های کل شبکه ی بانکی

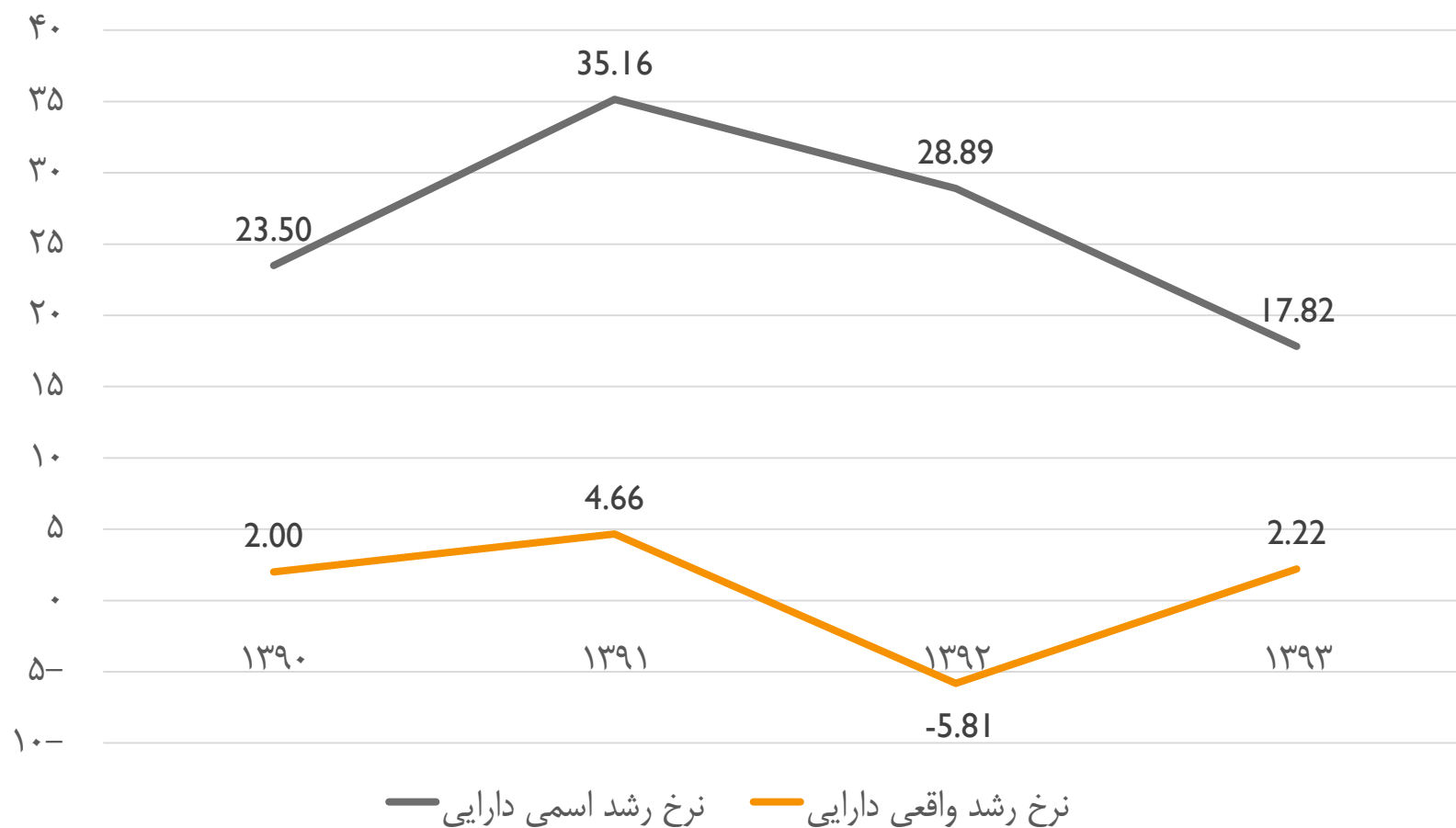
رشد سهم دارایی های درآمدزا در سبد دارایی بانک ها



رند سهم تسهیلات اعطایی در سبد دارایی چهار گروه بانکی



نرخ رشد اسمی و واقعی دارایی‌های شبکه بانکی



سهام حقوق صاحبان سهام

سهام حقوق صاحبان سهام چند بانک از مجموع بدهی ها و حقوق صاحبان سهام

۱۳۹۳		۱۳۹۲		۱۳۹۱		۱۳۹۰		۱۳۸۹	
۵.۷۶	اقتصاد نوین	۹.۱۸	صادرات	۷.۴۲	پارسیان	۷.۷۹	پارسیان	۵.۶۹	سامان
۵.۶۶	پست بانک	۸.۴۸	دی	۷.۰۶	سرمایه	۷.۵۷	اقتصاد نوین	۵.۵۵	تجارت
۵.۵۵	ملت	۸.۴۱	تجارت	۶.۷۷	سامان	۷.۳۳	سامان	۴.۹۳	پست بانک
۵.۵۳	گردشگری	۶.۶۸	اقتصاد نوین	۶.۵۱	شهر	۶.۹۷	انصار	۴.۹۳	صادرات
۵.۰۹	شهر	۶.۳۱	پارسیان	۶.۳۶	رفاه	۶.۰۶	تجارت	۴.۴۰	انصار
۵.۰۳	پارسیان	۵.۷۹	انصار	۶.۰۳	انصار	۵.۸۹	ملت	۴.۱۸	مسکن
۴.۷۴	سامان	۵.۶۵	سرمایه	۵.۸۵	تجارت	۵.۵۰	صادرات	۳.۹۳	ملی
۴.۳۵	مسکن	۵.۲۰	سامان	۵.۳۲	قوامین	۵.۴۰	کشاورزی	۳.۸۷	ملت
۴.۲۶	ایران زمین	۴.۹۸	ملت	۴.۶۶	ملت	۵.۴۰	مسکن	۳.۲۱	سپه
۳.۹۹	سرمایه	۴.۷۲	مسکن	۴.۱۸	قرض الحسنه رسالت	۴.۴۹	پست بانک	۱.۶۷	رفاه
۳.۸۹	مهر اقتصاد	۴.۴۵	شهر	۴.۰۸	کشاورزی	۳.۵۵	ملی	۱.۵۶	مهر اقتصاد
۲.۹۹	ملی	۴.۴۴	مهر اقتصاد	۴.۰۲	مسکن	۲.۰۲	سپه		
۲.۸۵	کشاورزی	۳.۰۶	کشاورزی	۳.۶۱	پست بانک	۱.۶۲	مهر اقتصاد		
۱.۳۹	قوامین	۱.۸۴	قوامین	۱.۷۷	مهر اقتصاد				
۱.۰۵	قرض الحسنه رسالت	۱.۳۱	قرض الحسنه رسالت	۱.۳۳	سپه				

حباب از اعطای تسهیلات بانکی بد شروع شد که به عنوان وثیقه، دارایی‌هایی را پذیرفته بودند که قیمت آن‌ها به دلیل حباب بالا رفته بود. نهایتاً بانک‌ها مستقیم وارد قماربازی شدند. واسطه‌ی مبادله‌ی دارایی‌های ریسکی شدند و نهایتاً آن دارایی‌ها به خودشان رسید. آن‌ها امیدوار بودند ریسک این دارایی‌ها را به دیگران منتقل کنند، اما وقتی نرخ تورم آرام گرفت، و حباب زمین و ساختمان لوکس ترک برداشت، این دارایی‌های سمی برای بانک‌ها به یادگار ماندند.

اشکالات اساسی در کل سیستم بانکی ایران وجود دارد. اگر الان کاری نکنیم و بعدها با تحمل زیان‌های عظیم از این وضعیت خلاص شویم، به خاطر سیاست ما نبوده، بلکه به‌رغم سیاست ما بوده است. صرف صحبت از طمع بانکداران هم پایه‌ای برای اصلاحات ایجاد نمی‌کند؛ آن‌ها طمع کردند چون فرصت آن را یافتند و مقام ناظر دولت نهم و دهم نظارت لازم را نکرد و این آن چیزی است که باید حتماً تغییر کند.

جمع و جور کردن بانک‌های کشور و تجدید ساختار آن‌ها برای بانک مرکزی و کشور ارزان تمام نخواهد شد. هرچه اصلاح وضعیت جاری با تأخیر همراه شود، زیان‌ها سنگین‌تر و صدمات عمیق‌تر خواهد بود. بانک مرکزی در پیشانی هر اقدامی باید مطمئن باشد که برای برخورد با نهادهای خاطی از قدرت لازم برخوردار است. در غیر این صورت، و در صورتی که بانک مرکزی نتواند آنچه می‌خواهد را به اجرا درآورد، اصلاح وضعیت و خروج از رکود به تعویق می‌افتد.

آنچه با مشکل نقدینگی شروع شد، یعنی ناتوانی بانک‌ها به قرض گرفتن در بازار بین بانکی برای انجام تعهدات جاری خود، با سرعت به بحران عجز در پرداخت بسیاری از آن‌ها انجامیده است؛ یعنی به عدم کفایت سرمایه‌ی بانک‌ها برای پوشش دارایی‌های سَمی آن‌ها. حالا بانک مرکزی باید مشکل نقدینگی و عجز در پرداخت را توأمان حل کند.

ضرورت برنامه‌ی جامع اصلاحات بانکی

در برنامه‌ی جامع تجدیدساختار نظام بانکی، کاهش نرخ سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی ضرورتی غیرقابل اجتناب است که اقدامی فوری را می‌طلبد. برای برون‌رفت از رکود، کاهش نرخ بهره ضرورتی تام دارد. کاهش نرخ‌های بهره در عین حال پاسخ کلاسیک به رکود اقتصادی است. این را بسیاری از کارشناسان می‌پذیرند، اما صحبت بر این است که کاهش نرخ چگونه باید رخ دهد: از طریق بازار یا با دستور بانک مرکزی (شورای پول و اعتبار)؟

اگر انتظار نرخ سود از نرخ وام‌گیری کمتر باشد، سرمایه‌گذار منطقی و متعهد به بازپرداخت، تسهیلات نمی‌گیرد. از این‌رو، چون در حال حاضر و با نرخ تورم ۱۱ درصد، امکان کسب سود ۳۰ درصد وجود ندارد، کسی که به دنبال اخذ تسهیلات ۳۰ درصد از بانک‌هاست یا تا گلو زیر بار قرض و خطر زندان است، و یا اصولاً در فکر بازپرداخت بدهی نیست. متأسفانه ناچاریم بعضی از بانکداران را که امروز با نرخ ۲۵ یا ۳۰ درصد برای بلندمدت از بازار قرض می‌گیرند نیز در همین گروه‌بندی اخیر قرار دهیم.

سپرده‌گذاران بزرگ هنوز احمقانه معتقدند ناهار مجانی موجود است و می‌توانند بدون ریسک در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مختلف به دنبال کسب بالاترین نرخ سود باشند. مقام ناظر نیز فرض کرده است که بازار، عُرْضه‌ی مراقبت از خود را دارد. قرض کردن با این نرخ‌ها از سپرده‌گذاران فقط روز حساب و کتاب را عقب می‌اندازد. اما، در تجدید ساختار بانک‌ها، نرخ بالای بهره‌ی جاری مشکل اصلی است.

اگر عملیات امداد یا نجات بانک مرکزی بدرستی انجام نشود، دورجدیدی از آن عملیات باید آغاز شود. اگر به جای طراحی مجدد نظام بانکی، دولت عمده‌ی پول خود را صرف تقویت سیستم شکست‌خورده‌ی فعلی کند، بانک‌ها دوباره و در تاریخی دیرتر برای نجات مالی خود به دولت مراجعه خواهند کرد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ضمن تأیید ضرورت کاهش نرخ سود بانکی، می‌خواهد نرخ را از طریق ابزارهای بازار کاهش دهد و مدعی است با کاهش نرخ بین بانکی از ۲۹ درصد به ۲۱ درصد، در این مسیر موفق بوده است. اما اگر به شیوه‌ی عمل بانک مرکزی توجه کنیم، چندان هم نمی‌توانیم آن را اقدام از طریق بازار بدانیم. بانک مرکزی با تبدیل حساب قرمز بانک‌ها به خط اعتباری ۲۱ درصدی، توانسته است نرخ بین‌بانکی را کاهش دهد. این بدان معناست که بانک مرکزی نرخ ۳۴ درصدی برداشت از بانک مرکزی را به ۲۱ درصد کاهش داده است. می‌توان با این اقدام بانک مرکزی در کاهش نرخ موافقت نمود، اما بی‌شک نام آن را نمی‌توان «اقدام از طریق بازار» نامید. مداخله‌ی سیاستی در شرایط جاری به گمان من به تعادل برتری می‌انجامد. از طریق بازار به شرایط بانک‌ها آن‌گونه که حتی در سال ۸۳ و ۸۴ بود، نمی‌توانیم برگردیم، و برای حل این مشکلات منابع کمی هم داریم.

خیلی‌ها با بی‌مبادلاتی نرخ جاری بهره را حاصل عرضه و تقاضا می‌دانند و ما را به بازار ارجاع می‌دهند، اما نرخ جاری بالای بهره حاصل عرضه و تقاضای پول نیست، حاصل گسست و شکست بازار است. مقام ناظر باید وضعیت نهادهایی را بررسی کند که این نرخ را حفظ می‌کنند، تا روشن شود از روی ناچاری چنین نرخ‌هایی می‌پردازند، و برای ادامه‌ی حیات بیمارگونه‌ی خود، این نرخ‌های بالا را می‌پردازند.

آنهایی که به فاندمنتالیسم بازار معتقدند، می‌گویند اتفاقی نیفتاده، حادثه‌ای رخ داده، باید هزینه‌ها را بدهیم و برگردیم به شرایط قبل. بانک‌ها اشتباهی نکرده‌اند. پولی را که بانک‌ها می‌خواهند به آن‌ها بدهید، یک کمی مقررات را اصلاح کنید، بانک مرکزی چند نشست توجیهی برای بانک‌ها بگذارد، و بانک‌ها وضع خوبی پیدا می‌کنند. اما مشکل ریشه‌دارتر از این حرف‌هاست.

در برنامه‌ی تجدیدساختار بانک‌ها، اصلاح نرخ سود مهم‌ترین عامل است، و این کار باید در این برهه‌ی زمانی دستوری انجام شود.

همراه با کاهش دستوری نرخ بهره، اقدامات زیر که همه به نرخ سود مربوط است، می‌باید به سرعت انجام گیرد:

اصلاح نحوه‌ی محاسبه‌ی سود سپرده‌ها

احیای حساب‌های دیداری

اصلاح حساب سود دریافتنی و خسارت تأخیر تأدیه‌ی دریافتنی

ممنوعیت اعطای تسهیلات به شرکت‌ها تابعه

تعیین نرخ سود بالاتر از نرخ بازدهی مورد انتظار روی ارز

اولویت اعتبارات برای خریداران دارایی‌های

فعال‌شدن بلافاصله صندوق ضمانت سپرده‌ها تا ۵۰ میلیون تومان

برخورد با بانک‌های خاطی و مؤسسات اعتباری غیرمجاز

باتشكر